



بسم الله الرحمن الرحيم

روز شیرین و مطلوبی برای بنده است که در جمع شما عزیزان، برادران، جوانان و نوردیدگان نیروهای مسلح در اینجا حضور پیدا کنم و شما را از نزدیک ببینم و جملاتی با شما سخن بگویم و از مظاهر انگیزه و تحرك و دل‌های پاک و نورانی شما بهره‌مند شوم. روز ارتش بر شما مبارک باد. امیدوارم که هر کدام از شماها - که شاید بشود گفت عموماً جوان هستید و دورانهای خوب زندگی را میگذرانید - ان شاء الله برای آینده‌ی کشور، عزت کشور، سربلندی و اقتدار این ملت، يك مظهری، يك سنگری، يك نمونه‌ی عالی‌ای باشید و خدای متعال اینگونه مقدر کند.

خب، بحمدالله نیروی زمینی ارتش رشد و بالندگی پیدا کرده؛ انسان این را احساس میکند. این حرکت، این روند مبارك، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شروع شد. نه اینکه کسی تصور کند که در دوران رژیم طاغوت، در بین ارتش، نیروهای مؤمن نبودند یا کم بودند؛ نه، اینجور نیست. بنده همان موقع هم با بعضی از ارتشی‌ها مرتبط بودم - با بعضی ارتباط دوستی داشتیم، با بعضی ارتباطهای انقلابی و مبارزاتی داشتیم - آن روز هم در بدنه‌ی ارتش، انسانهای مؤمن، علاقه‌مند و صادق کم نبودند؛ انسان اینها را در مناسبت‌های مختلف، در جاهای مختلف میدید؛ که بنده دیده بودم. رفقای دیگری هم بودند که آنها هم با بدنه‌هایی، با گوشه‌هایی آشنا بودند. منتها جهتگیری‌های افراد يك معنا دارد، جهتگیری سازمان و کلیت، يك معنای دیگری دارد. وقتی جهتگیری کلیت يك جامعه، يك سازمان، يك مجموعه غلط بود، تلاشهای فردی هرچه هم در آن جامعه انبوه باشد، نتیجه‌ی خودش را نخواهد بخشید. آن روز اینجوری بود.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است - علی‌الظاهر از امام صادق (علیه السلام) است که ایشان حدیث قدسی را روایت میکنند - که فرمودند: «لَأَعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطاعت اماما جائراً ليس من الله عزّ و جلّ و ان كانت الرعيّة في اعمالها برّة تقيّة». (1) مضمون حدیث این است: اگر سررشته‌ی نظام يك جامعه به دست انسانهای فاسد و ناباب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه‌ی افرادی که در این جامعه هستند، به جایی نمیرسد؛ و اگر در آنچنان جامعه‌ای کسانی تسلیم باشند و از آن ستمگران اطاعت کنند، خدا آنها را هم عذاب میکند. البته در همین حدیث، عکسش هم هست: «و لأعفونّ عن كلّ رعيّة في الاسلام اطاعت اماما هاديا من الله عزّ و جلّ و ان كانت الرعيّة في اعمالها ظالمة مسيئة»؛ که حالا اینها شرح دارد، نمیشود با همین ظاهر اکتفاء کرد.

خلاصه‌ی مطلب و جان مطلب این است که اگر چنانچه در يك نظامی، در يك مجموعه‌ای، در يك کشوری، در يك جامعه‌ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، آن کسانی که اطاعت از این نظام میکنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهائی هم داشته باشند. شما میتوانید این را در مقیاس يك کشور، در مقیاس يك امت، در مقیاس يك جامعه محاسبه کنید؛ در مقیاس يك سازمان، مثل سازمان ارتش هم میتوانید این را ملاحظه و محاسبه کنید.

آن روز ارتش در تصرف نااهلان بود؛ اما وقتی حرکت مردم آغاز شد، این بدنه‌ی مؤمن و معدودی از عناصر سطح بالای مؤمن، راه خودشان را شناختند و جای خودشان را پیدا کردند. از همان روزهای اول پیروزی انقلاب، افرادی آمدند به عناصر انقلابی کمک کردند، برای اینکه بتوانند با ارتش زبان مشترکی پیدا کنند و با هم حرف بزنند. خب، همدیگر را نمیشناختند؛ نه مسئولین، نه انقلابیون، نه مبارزین، نه روحانیون، نه قشرهای دانشگاهی با ارتش سر و کاری نداشتند؛ زبان مشترکی نداشتند. به برکت انقلاب، این زبان مشترک ایجاد شد.



مجلس شورای اسلامی

امروز ارتش یکی از مردمی‌ترین نهادهای کشور ماست. بین نهادهای گوناگونی که ساختار کشور و نظام را تشکیل داده‌اند، وقتی ارتش را نگاه میکنیم، می‌بینیم یکی از نزدیکترین به آحاد مردم، به تمایلات مردم، به احساسات مردم، و یکی از نزدیکترین به کمک به حرکت عمومی مردم است؛ این خیلی چیز قیمتی‌دار و باارزشی است. درست است که ارتشها در دنیا با شعار حفظ منافع ملی به وجود می‌آیند و به کار گرفته میشوند، اما واقعاً همین جور است؟ ارتش آمریکا در عراق، ارتش آمریکا در افغانستان، منافع ملی آمریکا را حفظ کرد؟ ملت آمریکا از اشغال افغانستان سود برد؟ از کشتار مردم افغانستان خرسند و راضی شد؟ از این که سربازان مزدورش بیایند مردم را به گلوله ببندند، بعد جنازه‌هاشان را مثله کنند، بعد با اجزای بدن آنها عکس یادگاری بگیرند، منافع آمریکا تأمین شد؟ اگر کسی از سران رژیم ایالات متحده بپرسد آقا شما این ارتش وسیع را، این تجهیزات مدرن و فوق مدرن را برای چه میخواهید، جوابشان این است: برای منافع ملی. اما آیا راست می‌گویند؟ همه جای دنیا تقریباً همین جور است. البته من ادعا نمیکنم تحقیقاً اینطور است - چون اطلاع کاملی نداریم؛ ممکن است در گوشه و کنار، این حرف مورد نقض هم داشته باشد - اما آنچه که ما دیدیم و شناختیم، غالباً در دنیا همین جور است؛ ارتشها به اسم منافع ملی تشکیل میشوند، اما در خدمت منافع ملی نیستند؛ در خدمت جاه‌طلبی‌های سیاسی‌اند. در طول تاریخ هم همین جور بوده. از اینجا بلند شوند، بیش از یک میلیون سرباز را بردارند ببرند طرف یونان - اینها افتخارات تاریخی طاغوت ماست؛ خشایار شاه - برای اینکه بتوانند یونان را بگیرند؛ بعد هم شکست خورده و کشتی شکسته و نابودشده برگردند به کشور. اینها برای منافع ملی نبوده. در طول تاریخ، ارتشهای دنیا - تا آنجائی که ما اطلاع داریم و تاریخ به ما نشان میدهد و من و شما میتوانیم دسترسی پیدا کنیم و امروز هم در دنیا مشاهده میکنیم - غالباً همین جور بوده‌اند؛ یا در خدمت قدرت‌طلبی‌های شخصی بوده‌اند، یا در خدمت حفظ قدرتهای طاغوتی.

اوائل انقلاب، در یکی از این کاخهای سلطنتی که یک بخشی از نیروی ارتش را آنجا برای پاسداری متمرکز کرده بودند، یک تابلویی آن بالا زده بودند که مضمونش این بود: ما - یعنی ارتش - اصلاً برای حفظ جان این طاغوت تشکیل شده‌ایم! خب، این خیلی فاصله دارد با منافع ملی. اگر ما در دنیا ارتشی را پیدا کنیم که اعتقاداتش مثل اعتقادات مردم، احساساتش مثل احساسات مردم، خودش نه در خدمت اشخاص و افراد، بلکه در خدمت مردم و در خدمت منافع ملی به معنای حقیقی باشد، این ارتش خیلی ارزش دارد؛ این ارتش شماست. من مورد دیگری را واقعاً سراغ ندارم. حالا در این کشورهایی که تازه انقلاب کرده‌اند، ببینیم چه به ثمر خواهد نشست و چه کار خواهند کرد؛ ولی تا الان من واقعاً چنین ارتشی سراغ ندارم؛ ارتشی که نه در خدمت قدرت‌طلبی‌های شخصی است، نه برای شخص میمیرد. این را من باید تأکید کنم؛ نه خدا راضی است، نه احکام اسلام اجازه میدهد که ما بگوئیم ارتش ما، یا نیروهای مسلح ما، یا عناصر ما، برای خاطر فلان آدم بمیرند؛ نه. بله، برای خاطر اسلام، همه بمیرند؛ فلان آدم هم برای خاطر اسلام بمیرد. برای برافراشته نگه‌داشتن پرچم استقلال کشور - که کشور اسلامی است - همه آماده باشند برای مردن در این راه؛ که این مردن، اسمش شهادت است. در این صورت، این ارتش میشود ارتش الهی و معنوی؛ این ارتش میشود ارتش اسلامی؛ این همان شجره‌ی طیبه‌ای است که بنده گفتم. از اول انقلاب تا امروز، هدف این بوده. و خوشبختانه ما به این هدف، هی نزدیک و نزدیکتر شده‌ایم؛ این را من به شما عرض بکنم.

من از نزدیک ناظر این حرکت طولانی سی و چند ساله‌ی ارتش هستم. در اولین مراسم 29 فروردین، بنده حضور داشتم. آن وقتی که امام در سال 58 در بیمارستان بستری بودند، همان جا جلوی بیمارستان جایگاه درست کردند و دسته‌هایی از ارتش آمدند آنجا رژه رفتند و روز ارتش به وسیله‌ی امام اعلام شد. من اوضاع ارتش را می‌بینم. در بین شما جمعی که اینجا حاضرید - آنهایی که از سی سال پیش به این طرف در ارتش بوده‌اند - شاید کسی نباشد که من در مراسم فارغ‌التحصیلی او شرکت نکرده باشم. علی‌الظاهر بنده در همه‌ی مراسم فارغ‌التحصیلی یکایک شماها و گرفتن درجه، حضور داشتم؛ شماها که دانشکده رفتید و افسر شدید و روی دوشتان درجه نصب شده. من نگاه



میکنم، می بینم که امروز ارتش ما از بیست سال پیش، از پانزده سال پیش جلوتر رفته؛ از اول انقلاب که خیلی جلوتر رفته. این حرکت خوب است؛ این حرکت را بایستی استمرار بدهید. این حرکت، حرکتی است که سعادت دنیا و آخرت در آن است.

امروز يك جریانی در دنیا به وجود آمده است که همه دانسته اند و شناخته اند که این جریان با نظام سلطه مخالف است. ما با اشخاص مسئله ای نداریم - اشخاص مال این طرف دنیا، مال آن طرف دنیا؛ بالا، پائین - مسئله، مسئله ای نظام سلطه است. نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی آن سازوکاری در دنیا که کشورها و ملت های دنیا تقسیم میشوند به دو قسم: سلطه گر و سلطه پذیر. حالا بعضی ها از همین سلطه گران خبیث، این معنا و این مضمون را کتمان و انکار میکنند، به زبان نمی آورند؛ اما بعضی هم روی بلاهت ذاتی ای که دارند، این را به زبان می آورند؛ مثل آن رئیس جمهور قبلی آمریکا که صریح گفت: در قضیه ای افغانستان و قضیه ای برجهای دوقلو و این چیزها، هر کس با آمریکا نیست، علیه ماست! خب، این حماقت است. سلطه گران دنیا رابطه شان را با جهان اینجوری تنظیم میکنند؛ سلطه پذیر باید بود.

مشکل دستگاه های قدرتمند سلطه گر دنیا این است که امروز يك جریانی در عالم به وجود آمده که با این سازوکار مخالف است. در مرکز این جریان، ایران اسلامی است؛ شما هائید. ایران اسلامی صبرش هم زیاد بود. روز اولی که ما این حرکت را شروع کردیم، از هیچ جای دنیا تجاوبی نشد. ما خیال میکردیم که برخی از ملت ها خیلی زود به این حرکت خواهند پیوست، اما اینجور نشد. بعد از گذشت سالها، بتدریج و آرام آرام، خوب این فکر به جسم ذهن ملت ها فرو رفت؛ آرام آرام ساخته شدند، ساخته شدند، تا يك وقت يك امکانی به وجود آمد. همه ای حرکت های تاریخی اینجوری است. حرکت های تاریخی اگر چه به نظر دفعی می آید، اما هیچکدام دفعی نیست، تدریجی است؛ منتها منتظر يك نقطه ای نشتر خوردن است؛ يك حادثه ای پیش بیاید، يك قضیه ای اتفاق بیفتد، ناگهان آن استعداد، آن نیروی متراکم شده ای فنر جمع شده، خودش را نشان میدهد و آزاد میکند؛ میشود مثل مصر، مثل بقیه ای جاها. سی سال طول کشیده تا ما به اینجا رسیدیم. بنابراین، این حرکت، يك حرکت مهمی است. استعمارگران و قدرتگرا، به معنای واقعی کلمه، از این حرکت میترسند. این شاخ و شانه کشیدن ها، شلتاق کردن ها و تحریمها و دعوها و تهدیدها و اینها همه اش از روی ترس است.

من ادعا نمیکنم اینها از جمهوری اسلامی بالخصوص به عنوان يك دولت یا به عنوان يك ارتش میترسند؛ مسئله این نیست؛ از این حرکت میترسند؛ از این پدیده ای بی سابقه و برای آنها بکلی ناشناخته، میترسند. و این حرکت در اینجاست که هی دارد تپشش افزایش پیدا میکند، هی دمیده میشود، روز به روز تجدید میشود. آنها از جوانهای مؤمن ما، از جوانهای عازم ما، از احساسات ملی در اوج ما، که همراه با معرفت خوب است - نمیگوئیم عالی - میترسند. امروز سطح معرفت و سطح بصیرت در کشور ما انصافاً خوب است.

شما بخشی از این مجموعه ای حساس و مهم هستید - نیروهای مسلح حساسند - این را باید حفظ کنید، این را باید ادامه دهید. من الان در جمع فرماندهان محترم يك جمله ای را از قول يك فرمانده نظامی نقل کردم. او اوائل انقلاب آمد پیش من، يك جمله ای گفت، من خیلی از این جمله خوشم آمد - و درست است - که تا حالا هم یادمانده است. گفت: در فرماندهی، عنصری یا جزئی از رهبری وجود دارد. شماها فرماندهان آینده ای نیرو و ارتش هستید؛ باید قدرت رهبری را در خودتان تقویت کنید. فرماندهی، یعنی بکن و نکن، امر و نهی؛ رهبری، یعنی حرکت، رفتار و نشان دادن شاخصهائی که جای آن بکن و نکن را بگیرد؛ بدون بکن و نکن، حرکت ایجاد کند؛ حرکتی از روی دل. به جای ارتباط گرفتن با جسمها، باید با دلها ارتباط وجود داشته باشد؛ این را باید در خودتان به وجود بیاورید و در خودتان تقویت کنید. اگر این شد، آن وقت پیروزی برای کشور ما و برای ملت ما حتمی است. یعنی در لحظات دشوار



و لحظات سخت، این احساس و این حالت به کمک انسان می‌آید. و من در این خصوص، نمونه‌هایی را دیدم. حالا بعضی از چهره‌ها که خب، خیلی معروفند و اینها را همه می‌شناسند؛ شهید صیاد شیرازی، شهید بابائی؛ اینهایی که از اول جنگ تا آخر جنگ بودند و به شهادت رسیدند؛ اما در بدنه هم من افراد زیادی را از این قبیل دیدم؛ در نیروهای مسلح، در دوران جنگ؛ هم در خود جبهه، هم در جلسات تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در پشت جبهه؛ این هم خیلی مهم است. غالباً حرکاتی که در صفوف مقدم انجام می‌گیرد، ناشی است از عزمها و اراده‌هایی که خیلی از آن اراده‌ها در پشت جبهه منعقد میشود و شکل می‌گیرد. اگر این اراده‌ها صادقانه باشد و بتواند خودش را به لایه‌های جلو برساند، آن وقت آن شجاعتها اتفاق می‌افتد؛ که انسان گاهی اوقات این شجاعتها را به طور بارز و برجسته مشاهده می‌کند. اینها را بایستی در نظر داشته باشید.

به هر حال نیروی زمینی مهم است. در مجموعه‌ی ارتش، نیروی زمینی، یک بخش بسیار مهمی است. همیشه گفته میشد که ستون فقرات ارتش، نیروی زمینی است. ممکن است در جنگهای متعارف امروز دنیا توقع درگیری‌های زمینی کمتر باشد - کما اینکه واقعاً هم همین جور است؛ الان بخش دریائی و بخش پدافند و اینها، درگیری‌های احتمالی‌شان بیشتر است - لیکن نیروی زمینی بایستی همیشه آمادگی‌های حقیقی خودش را حفظ کند و ارتقاء ببخشد. آمادگی حقیقی، یعنی ایمان، انگیزه، آموزش، سواد رزمی، تخصصهای لازم، آماده‌به‌کاری و استحکام شخصیت. شخصیت اخلاقی و شخصیت رفتاری باید دارای آنچنان استحکامی باشد که جاذبه‌های گوناگون و فریبنده نتواند آن را تحت تأثیر قرار بدهد و آن را دلیل خودش کند. گاهی اوقات بعضی از جاذبه‌های زندگی، انسانها را دلیل میکند. انسان بعضی‌ها را می‌بیند که برای خاطر پول دلیل میشوند، برای خاطر مقام دلیل میشوند، برای خاطر انگیزه‌های جنسی دلیل میشوند؛ این ذلت انسان است. عزیزترین و مقتدرترین انسانها آن کسانی هستند که این جاذبه‌ها آنها را دلیل نکند. البته این معنایش پشت کردن به جاذبه‌های زندگی نیست؛ این معنایش مقهور جاذبه‌ها نشدن است؛ والا اسلام نه میگوید شما حتماً پول نداشته باشید، نه میگوید شما مقامی نداشته باشید، نه میگوید شما از این جاذبه‌های گوناگون بهره‌مند نشوید؛ اما اسیر اینها نباید بشوید، مقهور اینها نباید بشوید، دلیل اینها نباید بشوید؛ باید قدرت مقاومت و ایستادگی داشته باشید، باید قدرت امتناع داشته باشید. این، شما را آماده میکند.

خب، با شما دوستان و برادران و جوانان و فرزندان عزیز من حرف که زیاد است؛ ولی وقت هم خیلی نیست. امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال شماها را موفق و مؤید بدارد.

پروردگارا! برکات خودت را بر این جمع نازل کن. پروردگارا! برکات خودت را بر ملت ایران نازل کن؛ برکات و فضل خودت را بر نیروهای مسلح ما، بر ارتش جمهوری اسلامی نازل بفرما. پروردگارا! مهربانی و پیوند و اخوت و دوستی و صمیمیت را بین سازمانهای نیروهای مسلح، از ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و دیگران، مستحکماً از همیشه بگردان. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را از جمله‌ی آن بندگان قرار بده که فرمودی: «رضی الله عنهم و رضوا عنه». (2) پروردگارا! ما را از جمله‌ی آن بندگان قرار بده که وعده‌ی دفاع و حمایت از آنها را دادی. پروردگارا! دعای ولی عصر (ارواحنا فداه) را شامل حال ما و مستجاب دربارهی ما بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) بحارالانوار، ج 25، ص 110

(2) مائده: 119